



Research Paper

# Iranian Luster ware Pottery during Middle Islamic period and their Manufacturing Centers

Hossein Sedighian <sup>\*1</sup>, Pantea Haj-Naseri<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

<sup>2</sup> Graduate Master of Archaeology, faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.



10.22080/jiar.2020.3088

**Received:**

Jun/15/2024

**Revised:**

Aug/10/2024

**Accepted:**

Sep /11/2024

**Keywords:**

luster ware pottery,  
Islamic period, Middle  
age, Iran.

## Abstract

One of the most important groups of clay pottery in the Middle Islamic period which have been made with new techniques painting on glaze is well-known luster ware pottery. According to the archeological studies have shown that the potteries have been produced on the distance to the Early to Late Islamic period, but the heyday of these pottery is 12 – 14AD. About the Middle Islamic of luster ware in Iran has published many studies, but done mostly by Western scholars. While in recent years in parts of Iran, archaeological excavations carried out in which the evidence was obtained that luster ware pottery production during the centuries. Unfortunately, due to the limit publisher our data from this excavation is very slight, although these low evidence are also of particular importance. Thus, the aim of this study is based on this fact which we review the history of luster ware with special emphasis on medieval Islamic of Iran, to discuss its pottery production centers.

**\*Corresponding Author:** Hossein Sedighian

**Address:** Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

**Email:** [Hossein.Sedighian@Gmail.com](mailto:Hossein.Sedighian@Gmail.com)

**Tel:** 09398793007



## سفال زرّین فام قرون میانی اسلامی و مراکز تولیدی آن در ایران

حسین صدیقیان<sup>۱\*</sup>، پانته آ حاج ناصری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.  
<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



10.22080/jiar.2020.3088

### چکیده

یکی از گروه‌های مهم سفالین ایران در طول قرون میانی اسلامی که با تکنیک نقاشی روی لعاب ساخته شده‌اند، سفالینه‌های معروف زرّین فام هستند. با توجه به مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته مشخص شده است که این سفال‌ها در فاصله قرون ۲-۵۳ ق. تا دوره قاجاریه تولید شده‌اند، ولی اوج ترقی آنها به قرون ۶ تا ۸۵۸ ق. باز می‌گردد. در مورد سفالینه‌های زرّین فام قرون میانی اسلامی تاکنون پژوهش‌های زیادی منتشر شده که عمدتاً توسط پژوهش‌گران غربی صورت پذیرفته است. این در حالی است که طی سالیان اخیر در بخش‌هایی از ایران کاوش‌های باستان‌شناسی صورت پذیرفته که در آنها شواهدی از تولید سفال زرّین فام طی این قرون به دست آمده است؛ اما متأسفانه به دلیل انتشارات محدود صورت گرفته، اطلاعات ما از این کاوش‌ها بسیار مختصر است؛ هر چند که همین شواهد مختصر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از این روی هدف از انجام این پژوهش بر این امر استوار است که ضمن بررسی تاریخچه سفال زرّین فام در ایران با تأکید بیشتر بر قرون میانی اسلامی، به بحث در مورد مراکز تولیدی این سفالینه‌ها بپردازد.

### دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۲۵

### بازنگری:

۱۴۰۳/۰۵/۱۹

### پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

### کلیدواژه‌ها:

سفال زرّین فام، دوران اسلامی، قرون میانی، ایران.

\* نویسنده مسئول: حسین صدیقیان

آدرس: گروه باستان‌شناسی دانشگاه لرستان، آدرس پستی: تهران، سعادت‌آباد، بلوار ۲۴ متری، کوچه سوم شرقی، پ ۶، واحد ۳۰۶؛ کد پستی: ۱۹۹۷۷۶۳۵۵۱

ایمیل: [Hossein.Sedighian@Gmail.com](mailto:Hossein.Sedighian@Gmail.com)  
تلفن: ۰۹۳۹۸۷۹۳۰۰۷



## ۱ مقدمه

نام اصلی سفال زرّین‌فام، دواتشه بوده و محققان متأخر بر اساس ترجمه عبارت "Luster ware" آن‌ها را زرّین‌فام نامیده‌اند؛ این در حالی است که سفال-گران ایرانی در حدود قرن ۶ تا ۸ ه.ق این نوع رورنگی-ها را "لیقه" می‌نامیدند (رحیمی، ۱۳۸۲: ۳۶). با توجه به نمونه‌های مشابه آزمایش شده در دیگر محوطه-ها، رنگ‌های طلایی به‌کار رفته در این سفال‌ها ترکیبی از جنس فلزات نقره و مس است (Borgia et.al, 2004 & Padovani et.al, 2006). با توجه به آثار و شواهد شناخته شده موجود باید بیان گردد که تولید این ظروف از قرون اولیه اسلامی شروع شده و تا دوره قاجاریه تداوم داشته است. با وجود این، مهم‌ترین دوره تولید این ظروف در فاصله قرون ۶ تا ۸ هجری قمری بوده که حکومت‌های سلجوقی، خوارزمشاهی و ایلخانی را شامل می‌شود؛ هر چند که در قرن هشتم هجری روند تولید این ظروف، کاهش یافته و برای مدتی نیز متوقف می‌گردد.

با توجه به این تفاسیر باید بیان گردد که شناخت سفالینه‌های زرّین‌فام قرون میانی اسلامی در ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این روی تاکنون پژوهش‌های بسیاری روی این سفالینه-ها صورت پذیرفته که از جنبه‌های مختلف بدان پرداخته‌اند؛ اما هم‌چنان از ابهامات بسیاری برخوردارند که تاکنون پاسخ‌های درخوری بدان داده نشده است. یکی از مهم‌ترین این ابهامات در مورد مراکز اصلی تولیدی این ظروف در ایران است. از این روی در پژوهش حاضر برآنیم تا با مطالعه بیشتر منابعی که تاکنون در ارتباط با این سفالینه‌ها منتشر شده و آثار و نتایج جدید به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی، جمع‌بندی کلی از این اطلاعات ارائه شده و بخشی از ابهامات این سفال برطرف گردد.

## ۲ تاریخچه مختصری از سفال زرّین‌فام ایرانی

این که نخستین بار ظروف زرّین‌فام در کجا تولید شده، هنوز محل بحث و پرسش است. یک نکته در این میان وجود دارد و آن گفته طبری است که بیان می‌دارد "در سال ۵۱۳۴ ه.ق ابوداود، خالد ابن ابراهیم، به غزای مردم کیش رفت و اخريد پادشاه آنجا را کشت. وی وقتی اخريد و يارانش را می‌کشت مقداری فراوان ظروف چینی نقش‌دار مطلای بی-مانند و زین‌های چینی و دیگر کالای چینی از دیبا و غیره و تحفه‌های چینی از آنها گرفت و همه را پیش ابومسلم فرستاد که به سمرقند بود" (طبری، ۱۳۷۲: ج ۱۱، ص ۴۶۷۲). بر اساس گفته‌های طبری می‌توان این احتمال را داد که آثار سفالین زرّین‌فام قرون اولیه نیز مشابه بسیاری از ظروف لعاب‌دار دیگر این دوران، ابتدا در چین تولید شده و سپس شیوه تولید آن در سایر سرزمین‌ها رواج پیدا کرده باشد. با این وجود منابع منتشر شده موجود در مورد سفال‌های این دوران چین، این موضوع را تأیید نمی‌نماید. با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی منتشر شده موجود باید بیان گردد که در حفاری‌های صورت گرفته فسطاط مصر، اولین نمونه زرّین‌فام که قابل تاریخ‌گذاری هستند با تاریخ ۱۰۴-۵۱۰۵ ه.ق به‌دست آمده است؛ ولی این نمونه شی آبگینه بوده که مزین به نقاشی زرّین‌فام است (گرابار، ۱۳۷۹: ۲۸). در این ارتباط فهروری اشاره بر این امر دارد که این تزئین برای نخستین بار در سده چهارم میلادی به‌وسیله قبطیان مصر اختراع شد و روی شیشه به‌کار رفت. ولی این تکنیک برای نخستین بار در سده سوم هجری روی انواع مختلف سفالینه‌ها مشاهده شده است (فهروری، ۱۳۸۸: ۱۱). نمونه‌های بسیاری از این سفالینه‌ها در بخش‌های مختلف سرزمین‌های اسلامی، از ماوراءالنهر و سند در شرق گرفته تا الجزایر و اسپانیا در غرب، به‌دست آمده که عمدتاً تاریخ‌گذاری دقیقی روی آنها صورت نگرفته است (آلن، ۱۳۸۷: ۲۱). در ایران نیز این نمونه‌ها طی کاوش‌های باستان‌شناسی مراکز متعددی شناسایی



(مورگان، ۱۳۸۴: ۱۳۷). با این حال لازم است ارتباط تکنولوژی زرین فام و خمیره فریتی روشن شود. به عبارت دیگر حتی اگر مصر منشأ تکنیک زرین فام در قرن ششم هجری بوده باشد، احتمال تولید آغازین شیوه خمیر سنجی در ایران را رد نمی کند. این فرضیه با وجود چند سند متقن باستان شناسی تا حد زیادی تأیید می شود. یکی از این اسناد وجود بطری شکسته ای با تاریخ ۵۵۳۴ ق. در مجموعه خلیلی است که نه تنها اولین نمونه سفال ایرانی بلکه اولین نمونه ظروف خمیره فریتی تاریخ دار شناخته شده در سراسر دنیای اسلام است (مورگان، ۱۳۸۴: ۱۳۷). مورد دیگر شناسایی ظروف لعاب دار خمیره فریتی طی کاوش های باستان شناسی صورت گرفته در زیر گنبدخانه سلجوقی مسجد جامع اصفهان<sup>۴</sup> است که تاریخ آن به اواخر قرن پنجم هجری باز می گردد<sup>۵</sup> (Rugiadi, 2010: 178)؛ یعنی چند دهه قبل از ظرف تاریخ دار موجود در مجموعه خلیلی. البته در این میان لازم به ذکر است که آزمایشات پتروفاوریک صورت گرفته روی سفالینه های زرین فام قرون اولیه اسلامی تا اواخر قرن پنجم هجری در فسطاط نیز بر استفاده از خمیره رسی با درصدی از کوارتز و خاک شیشه، تأیید می نماید<sup>۶</sup> (Mason & Tite, 1994: 84).

شده است؛ اما با توجه به شواهد منتشر شده موجود تنها می توان بیان کرد که جرجان در فاصله قرون سه و چهارم هجری به تولید این سفالینه ها پرداخته است. زیرا در آن شواهد باستان شناسی متعددی مثل کوره و دورریزهای حاصل از آن در کنار قطعات بی شمار سفال زرین فام شناسایی شده که دال بر تولید این سفال از قرن سه هجری به بعد، در این شهر بوده است<sup>۱</sup> (Kiani, 1984: 49).

ساخت ظروف زرین فام از سده ششم هجری به بعد و با استفاده از تکنیک جدید ساخت بدنه ای با خمیره فریتی<sup>۲</sup> و لعاب قلعی مات، ابتدا در مصر زمان فاطمی و سپس به طور هم زمان در ایران و سوریه به اوج رونق خود رسید. در این ارتباط به نظر می رسد که این واقعه با تخریب ناحیه سفال گران در فسطاط به سال ۵۵۴۶ ق. و واقعه معروف سرگردانی سفال گران مصری ارتباط دارد. اولین گواه تاریخی، نمونه های اولیه تاریخ گذاری شده ظروف زرین فام یافت شده در مصر و تکه ای سفال تک رنگ با لعاب قلیایی در میان سال های ۴۸۸ تا ۵۴۹۳ ق. می باشد، در حالی که اولین ظروف سفالین زرین فام ایرانی متعلق به سال ۵۵۷۵ ق. است، که در بریتیش موزیم بریتانیا نگهداری می شود<sup>۳</sup> (تصویر ۱)؛

سال ۵۴۸۱ ق. ساخته شده است (پوپ، ۱۳۸۲: ۱۰۶؛ پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۷۸ و لاله، ۱۳۸۱: ۲۰۵).

۵ البته لازم به ذکر است که در کاوش های باستان شناسی صورت گرفته در زیر گنبدخانه سلجوقی مسجد جامع اصفهان هیچ گونه شواهدی از سفالینه های زرین فام قرون میانی شناسایی نشده است (Rugiadi, 2010: 181). این امر می تواند دال بر آن باشد که در آن تاریخ هنوز سفال های زرین فام با خمیره فریتی در ایران تولید نشده است.

۶ در همین ارتباط باید بیان شود که میسن و تایت بر اساس آزمایشات پتروگرافی که روی سفالینه های زرین فام قرون اولیه عراق و مصر انجام داده اند، بیان می دارند که برای نخستین بار در فاصله قرون دو و سه هجری سفال گران بغداد آگاهانه به خمیره سفال، شیشه اضافه کرده اند (Mason & Tite, 1994: 80)؛ سپس در اواخر قرن چهارم هجری و هم زمان با مهاجرت برخی از سفال گران عراق به مصر دوره فاطمی، سفال های زرین فام خمیره فریتی اولیه تولید شده که ترکیبی از دو قسمت کوارتز، سه قسمت شیشه و پنج قسمت خاک رس سفید است

۱ متأسفانه با وجود آنکه در کاوش های باستان شناسی جرجان شواهد بسیاری از سفالینه های زرین فام قرون اولیه اسلامی به دست آمده و کاوش گر آن به این امر اشاره کرده، اما تاکنون به هیچ روی در مورد این سفالینه ها و چگونگی ویژگی های فنی و تزئینی آنها نپرداخته است.

۲ سفال های خمیره سنجی، فریتی، سنگینه و... (برای آگاهی بیشتر رک رحیمی و متین، ۱۳۶۸: ۱۸ و Mason & Tite, 1994: 77)، یکی از تولیدات مهم جهان اسلام محسوب می شوند که به تقلید از سفالینه های چینی تولید شده اند (گراب، ۱۳۸۴: ۱۲۹). این ظروف عمدتاً طی قرون ۶-۷ ق. در ایران شناخته و تولید گردیده و به سرعت روی نمونه های ظروف سفالین دیگر نیز به کار گرفته شده اند (Mason, 2004: 123).

۳ نظر به اینکه مقاله حاضر در ارتباط با زرین فام های قرون ۶ تا ۸ ق. است، در بخش های بعد به طور مفصل بدان پرداخته می شود.

۴ با توجه به وجود کتیبه های تاریخی و نیز مطالعات باستان شناسی صورت گرفته در این مسجد مشخص گردیده که گنبد خانه خواجه نظام در سال ۵۴۷۳ ق. و گنبدخانه تاج الملک حدود



ترش ترش بنشستی بهانه دربستی که  
 ندهم آبت زیرا که کوزه بشکستی  
 هزار کوزه زرین به جای آن بدهم  
 سخت مرا ز آنچ رفت در مستی

در طول این مدّت، یعنی از اواخر قرن پنجم تا اواسط قرن هشتم هجری، تولید سفال زرّین‌فام در ایران همانند بسیاری از سنت‌های حرفه‌ای دیگر، از طریق خانواده‌ها به یکدیگر منتقل می‌شدند. در واقع به‌نظر می‌رسد که سفال‌گری امتیاز انحصاری خانواده‌های معدودی از شیعیان ممتاز بوده که در مراکزی چون کاشان اقامت داشتند. زیرا عموم این خاندان از سادات شیعی بودند (بلر، ۱۳۹۱: ۳۹۴). از این روست که شاهد استفاده از هنر آنها در تزئین آرامگاه‌های مذهبی متعلّق به شیعیان هم‌چون حرم امام رضا(ع) در مشهد، حرم امام علی(ع) در نجف و حرم حضرت معصومه (س) در قم هستیم (فیض، ۱۳۴۹؛ واتسون، ۱۳۸۲: ۲۱۳؛ Donalson, 1935: 122 و Aga-Oglu, 1935: 128).

تولید سفال زرّین‌فام بنا به دلایلی چون حمله مغول و نابودی بسیاری از شهرها و مراکز مهم آن دوران رفته‌رفته روندی نزولی پیدا کرد. این سفالینه‌ها عموماً از لحاظ نوع فرم و نقش، شباهت‌های بسیاری با نمونه‌های دوره سلجوقی دارند؛ امّا تفاوت‌های چندی نیز در آنها وجود دارد که عامل تمایزشان با نمونه‌های دوره سلجوقی است. از جمله آنکه در برخی کاسه‌های زرّین‌فام دوره ایلخانی کناره‌های گرد بالا آمده دارند. امّا اتّکای ظرف بر پایه حلقوی باز و فاصله‌داری است که از هنر فلزکاری این دوره وام گرفته شده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۲۴).

86-). از این روی واتسون نظر دیگری دارد و آن این است که سفال خمیره فریتی<sup>۱</sup> اوّل بار در قرن پنجم هجری روی سفالینه‌های با تزئین نقش‌کنده فاطمی به‌کار رفته و سپس این تکنولوژی در اوایل قرن ششم هجری به ایران منتقل شده است (Watson, 1999: 302). با توجّه به این تفاسیر باید بیان گردد که تا زمانی که آزمایشات گاهنگاری مطلق روی این سفالینه‌ها صورت نپذیرد، نمی‌توان نتیجه قطعی در مورد مطالب بیان شده در بالا ارائه داد.

تولید سفال زرّین‌فام در ایران طیّ این دوره به حدّی از رونق بالایی برخوردار گردید که نمونه‌های این سفالینه‌ها حتّی در مناطق مجاور این سرزمین مثل افغانستان و آسیای مرکزی نیز شناسایی شده است؛ زیرا در این مناطق تاکنون کوره‌های تولید این سفالینه‌ها شناسایی نشده است. از این روی و نیز به‌دلیل شباهت بسیار زیاد آنها با نمونه‌های تولیدی ایران، می‌توان بیان کرد که با احتمال بسیار این نمونه‌های زرّین‌فام، در ایران تولید و از آنجا وارد این مناطق شده‌اند (فهروری، ۱۳۸۸: ۳۹). از جمله مراکزی که سفالینه‌های زرّین‌فام سبک کاشان در کاوش‌های باستان‌شناسی آن مورد شناسایی قرار گرفته، می‌توان به "جام" مرکز حکومت غوریان افغانستان اشاره (Gascoigne, 2010: 118). رونق و کاربرد بسیار این ظروف طیّ قرون ۶ تا ۸ه.ق در ایران تا حدّی بوده که حتّی در اشعار شاعران فارسی زبان این دوره مثل مولانا نیز نمود پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که بارها از اصلاح کوزه زرّین در اشعار خود استفاده می‌کنند که همان کوزه‌های سفالین با تزئین زرّین‌فام بوده است. به‌عنوان نمونه مولانا در بخش غزلیات دیوان شمس چنین بیان می‌دارد (مولوی، ۱۳۷۴: ۱۴۰۸):

(Ibid: 85). در نهایت طیّ قرن پنجم هجری سفال‌های زرّین‌فام خمیره فریتی واقعی در این کشور تولید شده است (Ibid: 86).  
 ۱ باید به این نکته نیز پرداخته شود که عموماً علّت روی آوردن سفال‌گران مسلمان به تولید سفال‌هایی با خمیره سفید فریتی، تقلید از نمونه‌های پسران تولیدی چین بوده است. به-

عنوان نمونه سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ خمیره فریتی با تزئین نقش‌کنده زیر لعاب مصر فاطمی در قرن یازدهم کاملاً به تقلید از سفال‌های پسران‌های چینی معروف به Qingbay تولید شده‌اند (Tite & Wood, 2005).



پیش از مطالعات باستان‌شناسی سالیان اخیر و عمدتاً بر اساس ویژگی‌های تزئینی و کتیبه‌های به‌کار رفته روی برخی از این سفال‌ها، دو مرکز کاشان و ری، بیشتر مورد توجه پژوهش‌گران بود. بر همین اساس هم در نوشته‌های خود به دو سبک مختلفی ری که متقدم‌تر و کاشان که متأخرتر بوده و یا دو دسته یادبودی و مینیاتوری که باز به ترتیب به ری و کاشان نسبت داده شده، اشاره کرده‌اند (جهت آگاهی بیشتر رک: پوپ، ۱۳۸۷: ۱۷۸۵؛ واتسون، ۱۳۸۲ و گراب، ۱۳۸۴)؛ هر چند که امروزه مشخص شده که بیشتر زرين‌فام‌های نسبت داده شده به ری، در اصل تولید کاشان هستند (محسنیان، ۱۳۸۳: ۱۴۳؛ Mason, 1997: 112 و Watson, 1975b: 12)؛ زیرا تاکنون هیچ‌گونه شواهدی از تولید این ظروف در کاوش‌های باستان‌شناسی شهر ری یا مطالعات آزمایشگاهی و بررسی منابع و کتیبه‌های تاریخی، به‌دست نیامده است. بلکه صرفاً با توجه به منابع موجود تنها شواهدی از تولید سفال بدون لعاب ففّاع در این شهر به‌دست آمده که کاملاً متفاوت با نمونه‌های زرين‌فام هستند (جهت آگاهی بیشتر رک: کانینگهام و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۴). علاوه بر این باید به ذکر این نکته نیز پرداخت که شهر ری در فاصله قرون ۵ تا ۵۷۰ ق. کانون درگیری‌های مذهبی گسترده‌ای بوده؛ به‌گونه‌ای که قبل از حمله مغول و تخریب کامل شهر، بیشتر بخش‌های آن از بین رفته و خالی از سکنه شده بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۹۰؛ حموی، ۱۹۹۵، ج ۲: ص ۸۹۳ و مستوفی‌۱۳۳۱: ۵۴). از این روی بسیار بعید است که در چنین شرایطی خانواده‌های سفال‌گر آنجا مجال ساخت چنین ظروف نفیسی را داشته باشند.

این امر در مورد شهر کاشان تا حد زیادی متفاوت است؛ هر چند که تاکنون کوره‌های تولید این سفال-

پس از سده هشتم هجری روند تولید سفال زرين‌فام موقعیت برجسته خود را از دست داد (Fehrevari, 2000: 289)، اما تکنیک این شیوه به‌طور کامل از بین نرفت، زیرا که یک گروه ممتاز از ظروف با لعاب زرين‌فام مسی مربوط به نیمه دوم قرن یازدهم هجری شناخته شده است (Canby, 1999: 159). در مورد اینکه در دوره صفویه چگونه و کجا شیوه سفال زرين‌فام احیا شد، اطلاع دقیقی وجود ندارد (Lane, 1942: 104)؛ اما در نتیجه گمانه‌زنی محوطه خانه تاریخی آیت‌الله مروج (خلیل‌زاده) در اردبیل کوره‌های سفالگری مربوط به عصر صفوی شناسایی شد که احتمالاً در آنها چنین سفالینه‌هایی تولید شده است (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۱۴). با توجه به نمونه‌های زرين‌فام تاریخ‌دار به‌دست آمده این دوران باید بیان گردد که تولید زرين‌فام از نیمه دوم قرن یازدهم یا نیمه اول قرن دوازدهم هجری شروع شده و تا دوره قاجاریه تداوم داشته است (Fehrevari, 1973: 137). از مراکزی که احتمال داده می‌شود در طول دوره صفویه تا قاجاریه به تولید این ظروف مبادرت ورزیده باشند، می‌توان به کرمان، شیراز و کاشان اشاره کرد؛ اما تاکنون در هیچ یک از این مراکز داده‌های مبتنی بر تولید این ظروف به‌دست نیامده است (Fehrevari, 1973: 138). به نظر می‌رسد که شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، رشد زیاد شهرنشینی در طول دوره پهلوی به بعد باشد که به موجب آن فضاهای جدید شهری روی بناهای قدیمی ایجاد شده و این ابنیه را تخریب کرده باشند.

### ۳ مراکز تولیدی سفال‌های زرين‌فام قرون میانی اسلامی ایران

در ایران تولید سفال زرين‌فام طی سده‌های میانی اسلامی به مراکز مختلفی چون ری، کاشان، جرجان، ساوه و سلطان‌آباد نسبت داده شده است (برای نمونه رک: توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۷۴ - ۲۷۷). در حالی که هنوز مدارک متقنی در زمینه برخی مراکز چون ری، ساوه و سلطان‌آباد، به‌دست نیامده است. اما تا



میسس نیز تأکید شده است. ایشان هم‌چنین با توجه به مطالعاتی که روی ویژگی‌های فنی و تزئینی این سفال‌ها انجام داده، آنها را به ۱۰ گروه مختلف تقسیم‌بندی کرده و برای هر گروه یک دوره زمانی را از تاریخ ۴۷۸ تا ۵۷۱۸ ق، در نظر گرفته است (برای آگاهی بیشتر رک: Mason, 1997: 112 - 116). لازم به ذکر است که جایگاه و اهمیت سفال‌گران کاشانی در منطقه به اندازه‌ای بوده که حتی از این هنرمندان در تزئین کاخ‌های سلاجقه آناتولی نیز استفاده شده است مانند کاخ سلطان علاءالدین قونیه و کاخ قباد-آباد در نزدیکی دریاچه بی‌شهر<sup>۵</sup> (تصاویر ۵-۶)؛ (پرایس، ۱۳۷۴: ۶۴ و Crane, 1993: 265). در همین ارتباط ویلبر به وضوح چگونگی انتقال این دانش و هنر را از سرزمین ایران دوره سلجوقی به آناتولی شرح داده است (جهت آگاهی بیشتر رک: Wilber, 1939).

علاوه بر کاشان، در محوطه باستانی جرجان نیز آثار و شواهد باستان‌شناسی متقنی مثل کوره‌های تولید سفال زرین‌فام، به‌دست آمده که حاکی از تولید سفال زرین‌فام در این محوطه است. سفالینه‌های تولیدی این شهر از لحاظ ویژگی‌های تزئینی وجه تشابه بسیاری با نمونه‌های کاشان دارند که برای نمونه می‌توان به کاربرد نقوش انسانی با چهره مغولی و تزئین پوشش آنها با نقوش نقطه‌نقطه‌ای اشاره کرد که کاملاً مشابه نمونه‌های کاشان است (فهروری، ۱۳۸۸: ۳۸؛ ۸۱؛ Bahrami, 1988: 49). البته لازم به ذکر است که با توجه به شواهد باستان‌شناسی منتشر شده موجود، این

ها در این شهر شناسایی نشده است.<sup>۱</sup> اما انبوهی از شواهد متقن دیگری وجود دارد که دلالت آشکار بر تولیدات گسترده این سفالینه در محوطه یا شهر مذکور می‌نماید؛ به‌طوری که هم در متون تاریخی مثل "معجم‌البلدان" و یا "اشکال‌العالم" به آن اشاراتی شده (حموی، ۱۹۹۵: ج ۴، ص ۲۹۶ و جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۳) و هم روی بسیاری از ظروف و کاشی‌های زرین‌فام<sup>۲</sup>، امضای خانواده‌های کاشانی چون "ابوزید"<sup>۳</sup> و "ابوطاهر"<sup>۴</sup>، به چشم می‌خورد که در سالیان متمادی به تولید ظروف زرین‌فام و حتی مینایی می‌پرداختند؛ ظروفی که حتی دارای سبک‌های مختلف منسوب به ری و کاشان بوده ولی امضای مشترک ابوزید روی آنها به کار رفته است (تصاویر ۳ و ۴)؛ (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۰۵ و Watson, 1975b: 11). افزون بر آن کتابی تحت عنوان "عرایس الجواهر و نفایس الاطایب" مربوط به یکی از افراد خاندان ابوطاهر به نام "ابوالقاسم کاشانی" باقی مانده که در بخشی از آن چگونگی تولید سفال و کاشی زرین‌فام شرح داده شده است (برای آگاهی بیشتر رک: کاشانی، ۱۳۴۵). علاوه بر این، با توجه به آزمایشات علمی مختلف پیکسی صورت گرفته روی قطعات مختلف سفال‌های زرین‌فام منسوب به مناطق مختلف مثل ری و کاشان، مشخص گردیده است که عموماً نمونه‌های منسوب به ری تشابهات آشکاری با نمونه‌های آزمایش شده کاشان دارند و نمی‌توان آنها را در دو گروه جداگانه تقسیم‌بندی کرد (محسنیان، ۱۳۸۳: ۱۴۳). این موضع که سفال زرین‌فام قرون میانی صرفاً در کاشان تولید شده و نه در شهر ری، توسط برخی پژوهش‌گران معاصر هم‌چون

۱ ای طولانی از ۵۸۲ تا ۶۱۶ ه.ق. عالی‌ترین سفالینه‌ها و کاشی‌های زرین‌فام را به‌وجود آورده است (کریمی، ۱۳۷۲: ۵۰۶).  
۲ وی در اواخر سده شش و اوایل سده هفت هجری می‌زیسته و نخستین فرد از خانواده ابوطاهر بود که نام خود را بر آثارش ثبت کرده است. وی سرپرستی مشهورترین کارگاه‌های سفال‌گری و کاشی‌گری زرین‌فام کاشان را بر عهده داشته است (کریمی، ۱۳۷۲: ب: ۶۳۳).

5 Beyşehir

۱ تنها می‌توان به کاوش‌های بهرامی در این شهر اشاره کرد که چند کوره تولید سفال را کاوش نموده‌اند، ولی متأسفانه گزارش دقیق و کامل کاوش‌های ایشان هیچ‌گاه به چاپ نرسید و تنها یک گزارش مختصر از ایشان در کتاب آثار ایران به جای مانده است (برای آگاهی بیشتر رک: بهرامی، ۱۳۷۱).  
۲ به‌عنوان نمونه رک: مشهد (Donalson, 1935)، قم (فیض، ۱۳۴۹ و واتسون، ۱۳۸۲)، ورامین و دامغان (Grube, 1962) و قهرود (Watson, 1975)، نطنز (Blair, 1986).

۳ سید شمس‌الدین بن محمد بن ابی‌زید از مشهورترین هنرمندان سفال‌گر و کاشی‌کار پیش از مغول بود که طی دوره-



باستان‌شناسی مبنی بر تولید سفال زرین‌فام در سایر محوطه‌های اسلامی ایران طی قرون میانی اسلامی، به‌دست نیامده است.

## ۴ نتیجه‌گیری

در طول دوره سلجوقی تحوّل مهمّی در روند تولید سفالینه‌های لعاب‌دار به‌وجود آمد و آن تولید سفالینه‌های زرین‌فام با شیوه تزئین نقاشی روی لعاب قلعی و خمیره جدید فریتی بوده است. این شیوه جدید تزئین سفال زرین‌فام با استفاده از خمیره فریتی برای نخستین بار در طی حکومت سلجوقی در ایران شکل گرفت و تا چند سده پس از آن نیز هم‌چنان به‌صورت محدود تولید آن تداوم داشت؛ اما دوره اوج کاربرد این شیوه تزئینی مربوط به قرون ۶ تا ۸ ه.ق بوده است؛ به گونه‌ای که آثار و شواهد این آثار نه تنها در بخش‌های مختلف سرزمین ایران به‌دست آمده، بلکه حتی آثار این سفال‌گران در مناطق مجاور ایران مثل افغانستان و آسیای مرکزی شناسایی شده و از این سفال‌گران برای تزئین بناهای سلجوقیان آناتولی نیز استفاده گردیده است.

در سفالینه‌های این دوره اشکال مختلفی از نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی، کتیبه‌دار به خط نسخ و کوفی، انسانی و اساطیری به‌کار رفته که در این میان کاربرد نقوش مختلف انسانی مثل سوارکار و حیوانی از فراوانی بسیاری برخوردار بوده است. از اشکال مختلف فرم ظروف زرین‌فامی که تاکنون شناسایی شده‌اند، می‌توان به انواع کاسه‌های کوچک تا بزرگ، قح، بطری، پارچ و تنگ اشاره کرد که از میزان تولید بالاتری برخوردار بوده‌اند؛ هر چند که اشکال محدودتری مانند دوات‌دان و چهارپایه نیز در این دوره تولید شده است. یکی از ابهاماتی که در زمینه سفال زرین‌فام دوره سلجوقی وجود دارد، مرکز یا مراکز تولیدی این ظروف طی قرون میانی اسلامی است. در گذشته این سفالینه‌ها را به مراکز چونی

احتمال وجود دارد که روند تولید سفال زرین‌فام در جرجان از همان قرون نخستین هجری به بعد، به صورت پیوسته در جریان بوده باشد؛ اما به دلیل آنکه هیچ‌گونه آزمایشات سن‌یابی روی این سفالینه‌ها صورت نپذیرفته و در عین حال کاوش‌گر آن اطلاعات بیشتری در این زمینه منتشر نکرده، نمی‌توان به قطعیت در مورد آنها سخنی به میان آورد.

در ارتباط با نیمه جنوبی ایران نیز باید بیان گردد که آثار و شواهد گسترده‌ای مبنی بر تولید سفال زرین‌فام در محوطه دقیانوس شهر جیرفت به‌دست آمده که خود از اهمّیت بسیاری برخوردار است. این امر هم با توجه به انجام آزمایشات مختلف روی قطعات سفال زرین‌فام به روش پیکسی، مشخص شده و نیز آثار و شواهد گسترده‌ای چون دور ریزهای کوره سفالگری در محوطه دقیانوس شناسایی شده که همه و همه دلالت بر تولید این گونه سفال در این محوطه می‌کند (برای آگاهی بیشتر رک: محسنیان، ۱۳۸۳؛ چوبک، ۱۳۸۳: ۳۳۴-۳۳۵؛ همان، ۱۳۹۱: ۹۴). از شواهد مرتبط با تولید این گونه سفالین در محوطه دقیانوس می‌توان به شناسایی بشقاب زرین‌فام با لعاب سوخته و تاول‌زده، شناسایی سه‌پایه سفالگری که روی آن قطرات لعاب زرین ریخته شده و تفاوت خمیره آن نسبت به نمونه‌های منسوب به کاشان، اشاره کرد<sup>۱</sup> (چوبک، ۱۳۸۳: ۳۳۴؛ همان، ۱۳۹۱: ۹۴). علاوه بر این قطعات محدودی از کاشی‌های زرین‌فام در موزه ویکتوریا و آلبرت موجود است که به کرمان نسبت داده شده‌اند (<http://collections.vam.ac.uk>) تاریخ مراجعه ۲۰۱۳/۱۰/۹. این کاشی‌ها از لحاظ فرم و تزئین با نمونه‌های منسوب به ری و کاشان کاملاً متفاوت هستند. از این روی احتمال داده می‌شود که در همان محوطه دقیانوس تولید شده باشند.

به غیر از محوطه‌های جرجان در نیمه شمالی، کاشان در مرکز و جیرفت در نیمه جنوبی کشور که در بالا بدان اشاره شد، تاکنون آثار و شواهد متقن

<sup>۱</sup> آن منتشر نشده، در حال حاضر نمی‌توان در مورد چنین مسائلی سخنی به میان آورد.

<sup>۱</sup> لازم به توضیح است که به دلیل اینکه جنبه‌های مختلف فنی و تزئینی سفالینه‌های زرین‌فام تولیدی جیرفت توسط کاوش‌گر



در آنها تولید شده و در ارتباط با دیگر مراکز با توجه به اسناد موجود نمی‌توان به قطعیت سخنی بیان کرد.

ساوه، ری، جرجان و کاشان نسبت داده بودند، اما با توجه به مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی که اخیراً صورت پذیرفته، مشخص گردیده است که در حال حاضر تنها در سه مرکز جرجان، کاشان و جیرفت به قطع می‌توان بیان کرد که سفال زرین‌فام



## فهرست منابع

در تاریخ سفالگری ایران، مجله گلستان هنر، شماره ۳، صص ۵۴ - ۷۱.

توحیدی، فائق (۱۳۷۹)، فن و هنر سفالگری، تهران: انتشارات سمت.

جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، اشکال العالم، علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.

چوبک، حمیده (۱۳۷۶)، گزینه سفالینه‌های اسلامی قلعه پوئینیک، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۵۱-۶۶.

چوبک، حمیده (۱۳۸۳)، تسلسل فرهنگی جازموریان - شهر قدیمی جیرفت در دوره اسلامی، پایان‌نامه مقطع دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.

چوبک، حمیده (۱۳۸۶)، کاوش‌های باستان‌شناختی در حسن صباح الموت، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص ۸۵ - ۱۶۰.

چوبک، حمیده (۱۳۹۱)، سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، ش ۱، شپ ۵، صص ۸۳-۱۱۲.

حسین‌زاده، میثم (۱۳۸۵)، سفالینه‌های ایلخانی مجموعه تخت سلیمان بر اساس دوره سوم کاوش‌های باستان‌شناسی (۱۳۸۰-۱۳۸۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

آلن، جیمز ویلسون (۱۳۸۷)، سفالگری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

بلر، شیلا (۱۳۹۱)، جست‌وجوی ابوزید کاشانی میان کتیبه‌ها، ترجمه صفورا فضل‌اللهی، مجله پیام بهارستان، ۲، س ۵، ش ۱۷، صص ۳۸۸ - ۴۱۳.

بهرامی، مهدی (۱۳۷۱)، شکل کوره‌های سفال‌پزی کاشان در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی)، آثار ایران، نوشته آندره گدار و دیگران، جلد اول، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

بی‌نا، (۱۳۸۶)، عملکرد یازدهمین و دوازدهمین فصل مطالعات هیئت مشترک ایران و ایتالیا در مسجد جامع اصفهان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان، منتشر نشده.

پرایس، کریستین (۱۳۶۴)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پوپ، آرتور (۱۳۸۲)، معماری ایران، ترجمه حسین صدری افشار، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگان.

پوپ، آرتور آپم (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ج چهارم: سفالگری، خوشنویسی و کتیبه‌نگاری، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴)، سبک‌شناسی معماری ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات معمار.

تمدن، ملیحه و سرپولکی، حسین (۱۳۸۵)، سفال گلابه‌ای: بررسی کاربرد گلابه یا پوشش گلی



فهروری، گزا (۱۳۸۸)، **سفال‌گری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت**، ترجمه مهناز شایسته-فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

فیض، عباس (۱۳۴۹)، **گنجینه آثار قم**، جلد اول، قم: چاپخانه مهر استوار.

کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۵)، **عرایس الجواهر و نفایس الاطایب**، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

کانینگهام، رابین (۱۳۹۰)، **دشت تهران در دوران اسلامی**، مجله مطالعات ایرانی کرمان، شماره ۲۰، صص ۲۱۷ - ۲۴۴.

کریمی، فاطمه (۱۳۷۲)، **ابوزید کاشانی، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**، جلد ۵، تهران: مرکز دایره-المعارف بزرگ اسلامی، صص ۵۰۶ - ۵۰۹.

کریمی، فاطمه (۱۳۷۲ب)، **ابوطاهر، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**، جلد ۵، تهران: مرکز دایره-المعارف بزرگ اسلامی، صص ۶۳۲ - ۶۳۸.

کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۴)، **هنر سفال‌گری دوره اسلامی**، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

گراب، ارنست جی (۱۳۸۴)، **سفال ایرانی خمیر سنگی دوران سلجوقی، مجموعه سفال اسلامی**، گردآوری ناصر خلیلی و استفان ورونیت، تهران: نشر کارنگ، صص ۱۲۹ - ۱۳۶.

گرابار، اولگ (۱۳۷۹)، **شکل‌گیری هنر اسلامی**، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

لاله، هایده (۱۳۸۱)، **مسجد جامع اصفهان، دایره-المعارف بزرگ اسلامی**، جلد ۹: اشتب - البیره، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۰۱ - ۲۱۲.

محسنیان، محمد (۱۳۸۳)، **بررسی سفالینه‌های زرین‌فام قرون شش و هفت هجری ایران**

حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵)، **معجم البلدان**، طباعه الثانیه، بیروت: دار الصادر.

خاموشی، لایلا (۱۳۸۸)، **آنالیز چند قطعه از چینی-های آبی و سفید دوره یوآن در مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به روش (STM، XRF، PIXE)**، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، شماره اول، صص ۱۲۳ - ۱۳۱.

راجرز، ام. (۱۳۷۴)، **سفال‌گری، از مجموعه هنرهای ایران**، ر.دبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر فروزان روز، صص ۲۵۵ - ۲۷۰.

رحیمی، افسون و متین، مهران (۱۳۶۸)، **تکنولوژی سرامیک‌های ظریف**، جلد اول، تهران: شرکت سهامی خاک چینی ایران.

رحیمی، فرشته (۱۳۸۲)، **ردیابی عنصری و روش ساخت سفال زرین‌فام، مجله باستان-شناسی و تاریخ**، سال هجدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۵، صص ۳۶ - ۴۱.

رنجی، ساناز و سرپولکی، حسین (۱۳۸۷)، **سیر تحول لعاب سلاذن، مجله گلستان هنر**، شماره ۱۴، صص ۸۳ - ۹۴.

سیوری، راجر (۱۳۶۳)، **ایران عصر صفوی**، ترجمه احمد صبا، تهران: نشر کتاب.

شاردن (۱۳۳۶)، **سیاحت‌نامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، جلد چهارم، تهران: امیر کبیر.

شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۶)، **نقش‌مایه‌های تزئینی سفالینه‌های دوره ایلخانان موزه ایران باستان، مجله هنرهای تجسمی**، شماره ۲۷، صص ۲۲ - ۲۹.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، **تاریخ طبری**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۱۱، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.



مورگان، پیتر (۱۳۸۴)، *سفال خمیر سنگی ایرانی دوران سلجوقی، مجموعه سفال اسلامی، گردآوری ناصر خلیلی و استفان ورونیت، تهران: نشر کارنگ، صص ۱۳۷-۱۴۳*.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۴)، *کلیات دیوان شمس تبریزی، تصحیح عزیزالله کاسب، ج دوم، تهران: نشر محمد*.

واتسون، آلیور (۱۳۸۲)، *سفال زرین‌فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، تهران: انتشارات سروش*.

ویلکینسون، چارلز.ک. (۱۳۷۹)، *رنگ و طرح در سفالینه ایرانی، از مجموعه اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه روئین پاکباز و هرمز عبدالحی، تهران: نشر آگه، صص ۱۳۳-۱۵۰*.

یوسفی، حسن (۱۳۸۵)، *گزارش گمانه‌زنی در محوطه خانه تاریخی مروج، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده)*.

به کمک روش‌های تجزیه دستگاهی، پایان- نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).

محمد حسن، زکی، (۱۳۷۷)، *هنر ایران در روزگار اسلامی، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، چاپ دوم، تهران: صدای معاصر*.

مرتضایی، محمد (۱۳۸۳)، *گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه جرجان، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳)، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۱۵۵-۱۸۸*.

مستوفی، حمدالله (۱۳۳۱)، *نزه‌القلوب، مقاله الثالته، به سعی لیسترنج، لیدن*.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی- نقی منزوی، بخش دوم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران*.

Aga-Oglu, Memet (1935), *Fragments of thirteenth century Mihrāb at Nedjef, Ars Islamica*, Vol. II, Part 1, PP. 128-131.

Bahrami, Mehdi (1988), *Gurgan Faiences*, Mazda publisher.

Bailey, A. Gauvin (1996a), *the stimulus: Chinese Porcelain production and trade with Iran, in Tamerlans table ware: A new approach to Chinosere ceramics of the fifteenth and sixteenth century Iran*, Ontario: Mazda publishers, No 6, PP 7-15.

Bailey' A. Gauvin (1996b), *Transformation of Chinese motifs, In Tamerlans table ware: A new approach to Chinosere ceramics of the fifteenth and sixteenth century*

*Iran*, Ontario: Mazda publishers, No 6, PP 57-108.

Blair, Sheila (1986), *A medieval Persian builder, The Journal of the society of architectural historians*, Vol. 45, No 4, PP. 389-395.

Borgia et.al (2004), *Characterization of decorations on Iranian (10<sup>th</sup> - 13<sup>th</sup>) lusterware, Applied Physics A: Materials science & processing*, Vol. 79, pp. 257 - 261.

Canby, Sheila (1999), *The Golden Age of Persian Art (1501 - 1722)*, London: British museum.

Crane, H (1993), *Notes on Saldjuq architectural patronage in Thirteenth century Anatolia, Journal of the economic and social history of the orient*, Vol. XXXVI. Pp. 1-57.



- Donalson, M.D. (1935), *Significant Mihrabs in the Haram at Mashhad*, **Ars Islamica**, Vol. II, Part 1, PP. 118-134.
- Fehervari, Geza (1973), **Islamic pottery: A comprehensive study based on the Barlow collection**, London: Faber and Faber limited.
- Fehervari, Geza, (2000), **Ceramics of the Islamic world in the Tareq Rajab museum**, I.B.Tauris publisher, London. New York.
- Gascoigne, Alison, L. (2010), *Pottery from Jām: A mediaeval ceramic corpus from Afghanistan*, **Iran**, No. 48, pp. 107-150.
- Gray, Basil (1963), *Persian influence on Chinese art from the eight to the fifteenth centuries*, **Iran**, Vol 1, pp. 13 - 18.
- Grube, E. J. (1962), *Some luster painted tiles from Kashan*, **Oriental Art**, pp. 167-174
- Grube, Ernest J. (1976), **Islamic pottery of the eight to the fifteenth century in the Keir collection** London' Faber and Faber.
- Klani, M. Y. (1984), *The Islamic city of Gurgan*, **Archaologische mitteilungen aus Iran (A.M.I)**, Band11.
- Lane, Arthur (1942), **Early Islamic pottery: Mesopotamia** Egypt & Iran, Faber and Faber, London.
- Lane, Arthur (1971), **Later Islamic pottery: Persia' Syria' Egypt & Turkey** , Faber and Faber, London
- Mason, Robert B. (1997), *Mediaeval Iranian luster-painted and associated wares: Typology in a multidisciplinary study*, **Iran**, Vol. XXXV, PP 103-135.
- Mason, Robert, B.J. (2004), **Shine like the Sun: Luster painted and associated pottery from the medieval Middle East**, Ontario: Mazda publishers.
- Mason, Robert & Golombek, L. (2003), *the petrography of Iranian Safavid ceramics*, **Journal of archaeological science**, Vol30, pp 251 - 261.
- Mason, Robert & Tite, M.S. (1994), *The beginnings of Islamic Stone paste Technology*, **Archaeometry**, Vol36, pp. 77-91.
- Padovani et.al, (2006) *XAFS study of copper and silver nanoparticles in the glazes of medieval Middle East lusterware (10<sup>th</sup> - 13<sup>th</sup> century)*, **Applied Physics A: Materials science & processing**, Vol. 83, pp. 521 - 528.
- Rugiadi, Martina (2010), *Processing Iranian glazed pottery of the Masjid-I Jumā in Isfahan (ADAMJI project): Fritwares from the foundation of Nizām Al-Mulks domed hall; Proceeding of the 6<sup>th</sup> International congress on the archaeology of the ancient Near East*, Vol3: Islamic Session, Wiesbaden, Harrassowitz Verlag, pp. 173-190.
- Tite, M. & Wood, N. (2005), *The technological relationship between Islamic and Chinese glazed ceramics prior to 16<sup>th</sup> century*, **China-Mediterranean sea, Routes and exchange of ceramics prior to 16<sup>th</sup> century**, **Taoci**, No4, pp. 31-39.
- Treptow, Tania (2007), **Daily life ornamented the medieval Persian city of Rayy**, The oriental institute museum of the University of Chicago.



Watson, Oliver (1975), *Masjid-e Ali, Qahrud: An Architectural and Epigraphic Survey*, **Iran**, PP.59-82.

Watson, Oliver (1975b), *Persian luster-painted pottery the Rayy and Kashan styles*, **Transaction of the oriental ceramic society**, Vol40, pp. 1-35.

Watson, Oliver (1987), *Islamic pots in Chinese style*, **The Burlington magazine**, Vol 129, No 1010, pp. 304-306.

Watson, Oliver (1999), *Fritware: Fatimid Egypt or Saljuq Iran?* In Barrucand, M. (ed.), **L'Egypte Fatimide; son art ET son histoire**, Paris, Université de Paris-Sorbonne, pp299-310.

Wilber, Donald (1939), *The Development of Mosaic Faience in Islamic Architecture in Iran*, **Ars Islamica**, Vol6, No1, pp. 16 - 47.

Williamson, Andrew (1987), *Regional distribution of mediaeval Persian*

*pottery in the light of recent investigations*, **In Syria and Iran: Three studies in medieval ceramics**, Oxford University press, pp. 11-22.

[http://www.britishmuseum.org/explore/highlights/highlight\\_objects/mes/stonepaste\\_bottle.aspx](http://www.britishmuseum.org/explore/highlights/highlight_objects/mes/stonepaste_bottle.aspx), 2/10/2013.

<http://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/materials/ceramics>, 3/10/2013.

[http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/8/per\\_page/100/offset/100/sort\\_by/date/object/10944](http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/8/per_page/100/offset/100/sort_by/date/object/10944), 2/10/2013.

<http://www.metmuseum.org/Collection/s/search-the-collections/451752?rpp=20&pg=1&ft=Mina%27i&pos=17>, 3/10/2013.

<http://www.turkishculture.org/ceramic-arts-582.htm>, 3/10/2013.



تصویر ۱: قدیمی‌ترین سفال زرین‌فام شناخته شده تاریخ‌دار ایران با تاریخ ۵۷۵ ه.ق، احتمالاً تولید کاشان، بریتیش موزیوم (<http://www.britishmuseum.org>) تاریخ مراجعه ۲/۱۰/۲۰۱۳



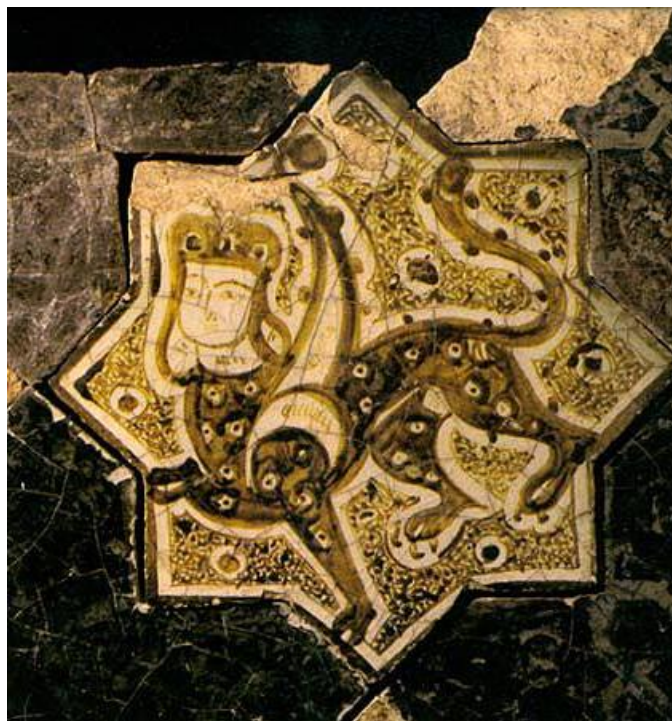
تصویر ۲: بطری سفالی با تزئین زرین‌فام در زمینه لاجوردی، دوره صفویه، موزه آشمولین (<http://jameelcentre.ashmolean.org>) تاریخ مراجعه ۲/۱۰/۲۰۱۳



تصویر ۳: سفال زرین فام، تولید کاشان، امضا شده توسط ابوزید کاشانی، جمادی الآخر ۵۶۰۰ ق، مجموعه دیوید دانمارک (<http://www.davidmus.dk>) تاریخ مراجعه ۲۰۱۳/۱۰/۳



تصویر ۴: سفال با تزئین نقاشی روی لعاب مینایی، تولید کاشان، امضا شده توسط ابوزید کاشانی، ۵۵۸۲ ق، موزه متروپولیتن (<http://www.metmuseum.org>) تاریخ مراجعه ۲۰۱۳/۱۰/۳



تصویر ۵: کاشی زرّین فام ستاره‌ای با نقش اسفنجس، کاخ قبادآباد ترکیه، ۵۶۱۴.ق، موزه مدرسه قراتیه (<http://www.turkishculture.org> تاریخ مراجعه ۲۰۱۳/۱۰/۳)



تصویر ۶: کاشی مینایی و زرّین فام ستاره‌ای، کاخ علاءالدّین قونیه (<http://www.turkishculture.org> تاریخ مراجعه ۲۰۱۳/۱۰/۳)